قاب

عکس‌های ورزشی ایران در میلان

در محل برگزاری سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم‌های ورزشی میلان، نمایشگاهی از آثار برگزیده چهارمین جشنواره بین‌المللی عکس ورزشی ایران، برگزار شده است. ایسنا این خبر را داده و نوشته که این نمایشگاه با حضور فرانکو اسکانی رئیس فدراسیون جهانی فیلم‌های ورزشی، سید مجتبی علوی دبیر جشنواره فیلم‌های ورزشی ایران، سید امیر حسینی نماینده Ficts در ایران و علی سامعی نماینده فدراسیون جهانی هنرعکاسی (فیاپ) در ایران و مدیر هنری جشنواره عکس ورزشی افتتاح شد. نمایش این آثار تا ۲۰ نوامبر در محل جشنواره فیلم‌های ورزشی میلان ادامه دارد.

کلمه

برندگان دو جایزه ادبی معرفی شدند

جایزه ملی کتاب آمریکا در بخش ادبیات داستانی به «دوست» نوشته سیگرید نونز رسید و جایزه سروانتس به یك شاعر ۹۵ ساله. آن طور که ایسنا به نقل از گاردین نوشته، امسال برای اولین بار جایزه ملی کتاب آمریکا، جایزه‌ای را به آثار ترجمه‌شده به زبان انگلیسی و منتشرشده در آمریکا اختصاص داده بود و در نهایت «این مأمور سری» نوشته «یوکو تاوادا» و ترجمه «مارگارت میتسوتانی» توانست این جایزه را از آن خود کند.

برندگان جایزه ملی کتاب آمریکا هر کدام مبلغ ده هزار دلار به عنوان جایزه دریافت می‌کنند و در بخش آثار ترجمه این جایزه به‌طور برابر میان نویسنده و مترجم تقسیم می‌شود. ایزابل آلنده، نویسنده مطرح شیلیایی نیز به پاس نقش مهمش در اعتلای ادبیات جهان با دریافت جایزه افتخاری جایزه ملی کتاب آمریکا مورد تقدیر قرار گرفت. او اولین نویسنده اسپانیولی‌زبان و دومین فرد غیرآمریکایی برنده این جایزه افتخاری محسوب می‌شود.

جایزه «سروانتس» که مهم‌ترین جایزه در ادبیات اسپانیولی‌زبان محسوب می‌شود، سال ۲۰۱۸ به «ایدا ویتاله» شاعر زن ۹۵ ساله از کشور اوروگوئه رسید.

طی چهار دهه «ویتاله» دومین نویسنده اهل اوروگوئه است که جایزه ادبی «سروانتس» را دریافت می‌کند.

رنگ و بوم

شعرهای حسین پناهی روی دیوار سرو

در نگارخانه فرهنگسرای سرو نمایشگاهی از اشعار و دلنوشته‌های مرحوم حسین پناهی برپا شده که سپیده مبرهن آنها را خوشنویسی کرده است. ایرنا، این خبر را منتشر کرده و نوشته، نخستین مجموعه شعر مرحوم پناهی با نام «من و نازی» در ۱۳۷۶ منتشر شد، این مجموعه شعر تاکنون بیش از ۱۶ بار تجدید چاپ و به ۶ زبان زنده دنیا ترجمه شده؛ سلام خداحافظ، نامه‌هایی به آنا، ستارها و راه با رفیق از دیگر آثار این هنرمند است. در نمایشگاه مبرهن ۲۲ اثر به نمایش درآمده و در میان آنها، خوشنویسی شعر «من در جست‌وجوی قطعه‌ای از آسمان پهناور هستم/ که از تراکم اندیشه‌های پست تهی باشد» به آنا پناهی دختر مرحوم پناهی اهدا شده است.

نمایشگاه نقاشی مبرهن تا پایان هفته برپاست و علاقه‌مندان هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۹ می‌توانند به فرهنگسرای سرو مراجعه کنند.

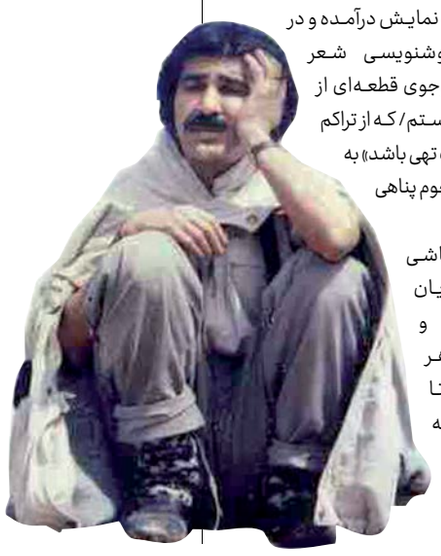

یغمایی و مرد عنکبوتی‌اش

کاوه یغمایی قرار است نیمه آذر در تالار وزارت کشور به صحنه برود و علاوه بر چند قطعه قدیمی، قطعاتی از آلبوم جدیدش را اجرا کند؛ آلبومی که مرد عنکبوتی نام دارد و تا پایان سال منتشر خواهد شد. این خواننده و آهنگساز که روزهای ۱۵ و ۱۶ آذر کنسرتش را اجرا می‌کند، قصد دارد یك تور کنسرت برگزار کند و بعد از آن یك مرکز آموزش تنظیم موسیقی مدرن ایرانی راه‌اندازی کند.

اینک خانواده آلبا

رویا تیموریان، مریم سعادت و مائده طهماسبی در نمایش «خانه برناردا آلبا» به کارگردانی علی رفیعی بازی خواهند کرد. مهر نوشته این نمایش قرار است از ۱۴ آذر در تالار وحدت اجرا شود و این سومین باری است که رفیعی نمایشنامه‌ای از فدریکو گارسیا لورکا را به صحنه می‌برد. این سه بازیگر پیشتر نیز در نمایش‌ها یا فیلم‌های دکتر رفیعی همکاری داشته‌اند.

محمدعلی گودینی، رمان‌نویس اهل کنگاور کرمانشاه سال‌هاست در آثارش در صدد تقویت ادبیات کارگری است

گفت‌وگو با محمدعلی گودینی، رمان‌نویس ادبیات کارگری درباره فیلم دردناک گریه‌های یکی از کارگران نیشکر هفت‌تپه

حمله ادبیاتی به فاصله طبقاتی

ادامه از صفحه ۹

حالا طبعا نه او از مرگ دو مسؤول خوشحال است و نه از پوشش وسیع رسانه‌ای مرگشان ناراحت. اما حتما همچنان به این فکر می‌کند که بالاخره کی نوبت آنها می‌شود که تیتر رسانه‌ها شوند.

نیم ساعتی در شگفتی این تقارن به سر می‌بریم تا جناب قصه‌نویس مهیای گفت‌وگو می‌شود. می‌گوید: من را باید ببخشید. می‌دانم این اشك‌ها از کجا می‌آید. همین حس سرخوردگی و رنج‌ها و اندوه‌ها بود که من را از کار انداخت و از کار بی‌کار کرد. خودش هم مثل مسلم آرمند، سال‌ها کارگر کارخانه بوده است. از همان سال‌های کارگری نوشتن را جدی پیگیری کرده و تا حالا ۴۰ کتاب منتشر کرده و از این بین، هشت رمان و مجموعه داستان کوتاهش درباره فضاهای کارگری بوده است. از این هشت اثر، «تالار پذیرایی پایتخت» و «زنی با کفش‌های مردانه» بیشتر به چشم آمده‌اند و مورد تحسین منتقدان قرار گرفته‌اند. در اولی، از کوچ دسته‌جمعی کشاورزان روستاها بعد از اصلاحات ارضی به تهران نوشته و سختی‌هایی که در کارگری در مرکز تحمل کرده‌اند و در دومی ادامه داستان را پی گرفته تا کارگرانش را راهی جبهه کند. چه کسی را بهتر از او می‌توانستیم بیابیم تا همراهی‌مان کند در یادآورد کارگرانی که این روزها در شوش احساس بی‌پناهی دارند. از او درباره خلاهای ادبیات داستانی کارگری پرسیده‌ایم.

این روزها پیگیر مطالبات کارگران در ایران بوده‌اید؟

همیشه بوده‌ام. من قصه‌نویسی نیستم که صرفا درباره آنها نوشته باشم. من از آنها هستم. ۱۲ سال کارگر کارخانه بوده‌ام و پیش از آن هم از ۹ سالگی در مغازه‌ها پادویی و کارگری کرده‌ام. همین امروز که با شما صحبت می‌کنم اثر تازه‌ام را تحویل ناشر دادم و به همین خاطر مدتی را متمرکز روی کارم بودم و در جریان جزئیات پیگیری مطالبات کارگران نیشکر هفت‌تپه نبودم اما دورادور می‌دانم چه اتفاقی برایشان افتاده است.

این ویدئو حسابی شما را به هم ریخت...

می‌دانم این اشك‌ها از کجا می‌آید. می‌دانم حقوق نگیری و مدام در معرض اخراج باشی یعنی چه.

کارخانه آنها را خوب می‌شناسم. نیشکر هفت‌تپه بعد از همان اصلاحات راه افتاد مثل کشت و صنعت کارون. این نیشکر هفت‌تپه آن‌قدر وضع خوبی داشت که حتی تیم فوتبالی به جام تخت جمشید فرستاده بود و تبلیغات گسترده‌ای برای این تیم می‌شد. بعدها اما شنیدم نماینده‌های مجلس گفته‌اند بهتر است نیشکرها را بسوزانیم و تمام. اگر ترس از آلودگی حاصل از سوزاندن نیشکرها نبود حتما همین کار را می‌کردند. آن سال‌ها چنین برخوردهایی و حالا چنین ویدئوهایی آب سردی است روی سر من و امثال من که عمری پای این مباحث گذاشته‌ام. از خودشان بوده‌ام، کنار خود آنها توش و توانم را از دست داده‌ام و از کار افتاده شده‌ام و می‌دانم چه می‌کشند. حالا شنیده‌ام آنقدر در معرض آسیب قرار دارند که بیکاری، کوچك‌ترین این آسیب‌ها می‌تواند باشد. برخی گروه‌ها سعی می‌کنند خودشان را به آنها نزدیك و مطالبات صنفی برحقشان را از ریل خارج کنند. اگر این اتفاق بیفتد آنها نه فقط کار، بلکه زندگی‌شان را از دست می‌دهند. این بلایی است که خصوصی‌سازی سر ما آورده است. خصوصی‌سازی کلا مبحثی انحرافی برای ما بوده است. خصوصی‌سازی یعنی اخراج کارگرها و بی‌مسؤولیتی. خصوصی‌سازی انحرافی یعنی این‌که پول بدهی و صنعت را بخری و هر بلایی خواستی سرش بیاوری. خصوصی‌سازی اگر قرار بود از مسیر درستش هدایت شود باید صرفا مدیریت را می‌سپرد به بخش خصوصی و بخش خصوصی هم سودش را می‌برد. فاجعه این است که نیشکر هفت‌تپه با ۵۰ سال سابقه و آن اقتصاد درخشان رسیده است به این حال و روز کنونی. رسیده به جایی که کارگری جوان جلوی دوربین و طی اعتصابی چند روزه اشك بریزد و این طور وجودمان را آتش بزند. چرا باید برای خوزستانی‌های خونگرم این اتفاق‌ها بیفتد. تماشای این ویدئو در کنار ویدئوهایی که از آقازاده‌ها در خارج از کشور منتشر می‌شود، در کنار خبرهایی که از رانت‌خواری‌ها منتشر می‌شود خیلی برایم دردناك‌تر است.

شما در رمان «تالار پذیرایی پایتخت» سراغ طبقه فرودست رفتید و از اصلاحات ارضی که آنها را از روستاها به شهر آورد و از کشاورزی به کارگری رساند نوشتید. فکر می‌کنید امروز مشکلات طبقاتی همچنان ربطی به اجرای آن سیاست‌های غلط دارد؟

ربط که چه عرض کنم، دقیقا سرمنشأ همان است. همه مشکلات طبقاتی ایران همچنان منشأیی جز اصلاحات ارضی پهلوی ندارد. وقتی زمین‌ها را به مردم بخشیدند هفت سالم بود و می‌دیدم که چطور کشاورزها با این ایده که تا کی کار کنیم و این شهری‌ها بخورند زمین‌هایشان را رها کردند و به شهرها آمدند و شکل تازه‌ای از نظام کارگری در شهرها شکل گرفت که هنوز هم همین شکل، زمینگیرمان کرده است. وابستگی به واردات گندم و کمبود غذا محصول همان جنس از اصلاحات بود. سردمداران اجرای آن ایده می‌گفتند ژاپن و کره را ببینید که چطور پیشرفت کرده‌اند؛ پیشرفت آمریکایی به چه درد می‌خورد؟ حالا مطمئن باشید اگر مثلا تنگه هرمز بسته شود و جنگ نفتی راه بیفتد اول همین کره و ژاپن سقوط می‌کنند. همان نوع اصلاحات باعث شد ما هیچ‌وقت نه صنعتی باشیم، نه نفتی و نه کشاورزی. از این رو بود که می‌گفتم اتفاقا تحریم‌ها فرصتی بود برای خودسازی ما. این رانت‌خواری خودی‌ها بود که اقتصاد ما را فلج کرد. سال‌های میانی دهه ۶۰ اتفاقا همین را نوشتم برای روزنامه «کار و کارگر»؛ وقتی قیمت نفت سقوط کرد در آن مقاله نوشتم که با این وضع اقتصادمان شکوفا می‌شود. تیتر زدم: «سقوط نفت، آغاز شکوفایی اقتصاد ما». حالا ببینید وضع اقتصاد ما متاثر از همان سیاست‌های غلط با رانت‌ها و فعالیت چهار تا دلال سکه و ارز به فروپاشی نزدیك می‌شود.

در کتاب «زنی با کفش‌های مردانه» هم دوباره سراغ کارگرها رفتید...

اتفاقا این کتاب، بیشتر مربوط است به وضع مطالبات کارگری امروز چون دقیقا اثری کارگری صنعتی است. این جا نشان دادم که همان کارگرهای رمان «تالار پذیرایی پایتخت» با آن همه مشکلاتی که برایشان پیش آمد چطور رفتند و از کشورشان در جنگ حراست کردند. اینها را من به عنوان ناظری بیرونی ننوشتم. کارخانه خود ما به اندازه یك گروهان سرباز در جبهه‌ها داشت. همین کارخانه چنان نابود شد که یکی از نمادهای نابودی کارگرها در ایران باشد.

فکر می‌کنید مهم‌ترین دلیل این‌که ادبیات داستانی ما به کارگران نمی‌پردازد، چیست؟

مساله این است که ما نویسنده‌هایی که کارگری را از نزدیك درك کرده باشند نداریم.

نمونه‌هایی هم که داریم، اغلب مربوط به ادبیات کارگری از نوع رئالیسم سوسیالیستی است، مثل آثار احمد محمود؛ جدای از این نوع ادبیات کارگری، چه انواع دیگری را در ادبیات داستانی ایران می‌توان دنبال کرد؟

احمد محمود و تلاش‌هایش برای من بسیار قابل احترام است و از او آموخته‌ام. اما معروف‌ترین اثر او در این رابطه که «همسایه‌ها» باشد، اثری است که انگار از کنار جاده به مسیر ملی‌شدن صنعت نفت نگاه کرده. خودش هیچ‌گاه داخل آن پالایشگاه نبوده است. اشاره کردم که این خلا از این جا ناشی می‌شود که نویسنده‌های ما از نزدیك شرایط کارگری را درك نکرده‌اند. نویسنده‌هایی داشته‌ایم که دو ماه رفته‌اند در کارخانه‌ای کار کرده‌اند که به ادبیات کارگری بپردازند اما نتیجه، چشمگیر نبوده است. چون باید با آن فضا زندگی کنی که بتوانی بنویسی‌اش. تك و توك شاید آثاری منتشر شوند اما با یك گل بهار نمی‌شود. درباره بخش مربوط به سوسیالیسم سوالتان هم باید بگویم چون داستان‌نویس‌های ما تحت تاثیر شوروی بودند طبعا ادبیاتی که می‌خواستند برای کارگران تولید کنند هم همین گرایش را برجسته می‌کرد. آنها عاشق ماکسیم گورکی بودند.

اما همین زنده‌یاد زنوزی جلالی به شما گفته بود ماکسیم گورکی ایران...

او البته وقتی گفت گودینی ماکسیم گورکی ایران است، نمی‌خواست بگوید من سوسیالیست هستم؛ این را صرفا به خاطر این‌که من هم مثل گورکی به ادبیات کارگری می‌پرداختم گفته بود.

زنده‌یاد فیروز زنوزی جلالی وقتی رمان «تالار پذیرایی پایتخت» محمدعلی گودینی را خوانده بود، گفته بود او ماکسیم گورکی ایران است؛ نویسنده معروف رمان‌های کارگری روس که ادبیاتی رئالیسم سوسیالیستی را مدنظر داشت. حالا گودینی می‌گوید قصد زنوزی از این تلقی، صرفا ناظر بر این بوده که این هر دو نویسنده

به‌اضافه این‌که...

نویسنده آن کارخانه خاطره‌انگیز

محمدعلی گودینی، که حالا نویسنده رمان‌های درخشانی با موضوع ادبیات کارگری است، ۱۲ سال کارگر کارخانه بوده است؛ کارخانه قدیم «قوه پارس» با آن ماکت بزرگ خاطره‌انگیز باطری (آن‌وقت‌ها باطری بود نه باتری) در مسیر جاده قدیم تهران.کرج. برای ما روزنامه‌نگارهایی که در کرج زندگی و در تهران کار می‌کردیم، آن ماکت باتری با رنگ آشنای زرد و سرمه‌ای‌اش که روی پشت‌بام کارخانه «قوه پارس» پهلو گرفته بود به جاده، یکی از نمادهای کارگری در مرکز بود. بین مردم هم باطری‌ها، هنوز به باتری معروف نشده بود و فی‌المثل همین محمدصادق علیزاده، دبیر گروه فرهنگ و هنر جام‌جم می‌گوید، پدربزرگش همچنان به باتری می‌گوید «قوه.»

گودینی می‌گوید در این کارخانه آن‌قدر سختی کشیده و محیط آلوده آسیب برایش به جا گذاشته که سال ۱۳۷۲ از کار افتاده شده. همین‌هاست که تا ویدئوی مربوط به حرف‌ها و اشك‌های یکی از کارگران نیشکر هفت‌تپه را می‌بیند بغضش می‌ترکد.

تجدید مزایده عمومی

شهرداری کرج
سازمان مدیریت آرامستان ها

سازمان مدیریت آرامستان ها کرج و حومه در نظر دارد حمل متوفی خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	موضوع مزایده	مدت اجرا	مبلغ سپرده شرکت در مزایده
۱	واگذاری حمل متوفی توسط آمبولانس به بخش خصوصی	۳۶ ماه	۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۱- واریز مبلغ ۶۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۳۲۶۰۶۷۶۷۹ بانک تجارت شعبه کمالشهر کد ۳۲۶۰ یا باجه مستقر در سازمان مدیریت آرمستانها کرج و حومه بابت خرید اسناد و مدارک مربوطه.
۲- کمیسیون مزایده به صورت حضوری برگزار می گردد.
۳- برنده نفر اول و دوم مزایده هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنها ضبط خواهد شد.
۴- اهم اطلاعات و جزئیات در برگ شروط و اسناد مزایده مندرج است.
۵- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می باشد.
۶- برنده مزایده متعهد به ارائه ۱۵ دستگاه آمبولانس مشکی ال ۹۰ یک شکل مدل ۱۳۹۵ هجری شمسی به بالا (جهت انجام موضوع قرارداد) می باشد.
۷- مدت قرارداد سه ساله از ۱۳۹۷/۱۰/۱ الی ۱۴۰۰/۹/۳۰ می باشد که در پایان هر سال در صورت رضایت کارفرما ادامه همکاری تداوم می یابد.
۸- سازمان مدیریت آرامستان ها کرج و حومه در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادها مختار است.

لذا از متقاضیان دعوت می گردد در صورت تمایل از تاریخ انتشار آگهی جهت خرید اسناد مزایده به امور پیمانهای سازمان مدیریت آرامستان ها کرج و حومه واقع در کیلومتر ۱۵ اتوبان کرج – قزوین گلزار شهدای بهشت سکینه (س) مراجعه نمایند. مهلت ارائه اسناد مزایده به دبیرخانه سازمان تا پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۷/۹/۶ می باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانید همه روزه به استثناء روزهای تعطیل با شماره تلفن ۵-۳۴۷۶۰۴۵۱ –۰۲۶ داخلی ۱۳۰ تماس حاصل نمایید.

روابط عمومی
سازمان مدیریت آرامستانها کرج و حومه

شهردار اصفهان در بازدید از سازمان فاوا شهرداری:

احساس می‌کنم در این بخش یک گام به جلو برداشته‌ایم

به گزارش روابط عمومی سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری اصفهان، دکتر قدرت‌الله نوروزی ضمن بازدید از قسمت‌های مختلف این سازمان با اهدای گل به مهندسان و کارکنان از زحمات و تلاش‌های آنها قدردانی کرد.

در این بازدید که جمعی از اعضای شورای اسلامی شهر، معاونین و مدیران ارشد شهرداری اصفهان نیز حضور داشتند، شهردار اصفهان از اقدامات صورت گرفته به ویژه در حوزه زیرساخت ICT و تجهیز مرکز داده شهرداری به جدیدترین قابلیت‌ها و امکانات ابراز خرسندی نمود و تصریح کرد: این موضوع فرصتی است که می‌تواند به‌عنوان سند افتخار، این مجموعه را معرفی نماید.

وی ضمن قدردانی از دست‌اندرکاران سازمان فاوا که حتی یک لحظه هم اجازه نداده‌اند در خدمات‌رسانی به شهرداری و شهروندان خللی ایجاد شود، یادآور شد: این مرکز از بهترین محل‌های پشتیبانی و تامین نیازهای شهرداری اصفهان و کلیه دستگاه‌های اجرایی استان بوده و به همین دلیل لازم است کلیه فعالیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری اصفهان در آن متمرکز شود.